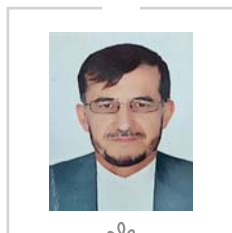


دولت‌آبادی؛ عصاره‌ای از سال‌ها درد و مظلومیت هزاره



✉ محرابعلی دانش

مقدمه

بصیراحمد دولت‌آبادی، عصاره‌ای سال‌ها درد و رنج هم‌تبارانش بود. محیط که او به دنیا آمد، قد کشید و بزرگ شد، مملو از تبعیض سیستماتیک تاریخی، نابرابری قومی و بی‌عدالتی اجتماعی بود، این فضای مملو از خفقان باعث می‌شد تا او از آغاز زندگی و دوران طفولیت از مکتب، لیسه، دانشگاه تا محیط زندگی تمام این رنج‌ها را به عمق جان و استخوانش لمس کند، مرحوم دولت‌آبادی چون دیگر هم‌کیشان رنج‌دیده خود دوران تحصیل را با مشقت، دشواری و فقر آغاز کرد. در کنار فقر و تنگ‌دستی، مهاجرت، مرارت‌ها و مشکلاتی

زیادی را تحمل می‌کند و هم‌زمان با پایان رساندن دوره دیپلم، انقلاب ۱۳۵۷ آغاز می‌شود و تحصیلات را نیمه‌تمام گذاشته همراه دیگر مجاهد مردان دیارش به سنگرهای دفاع از کشور در برابر ارتش سرخ شوروی می‌پیوندد. مدتی در قالب یکی گروه از مجاهدین تحت عنوان «سازمان نصر افغانستان»، به جهاد می‌پردازد. در سال ۱۳۵۸ به پیشنهاد رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزارعی (ره) راه دیار غربت را به‌پیش می‌گیرد و به ایران مهاجرت می‌کند، در دنیای مهاجرت پس از مطالعه فشرده و فراگیری شیوه‌های نگارش، زندگی فرهنگی را تجربه می‌کند.

و با خانواده و فرزند به‌سختی روزگار می‌گذاردند و باین‌حال حاضر نشد، دست از نوشتن بردارد و یا مطابق میل جریان‌ات سیاسی روز بنویسد او خود شاهد محرومیت‌های اجتماعی مردمش بود از وضع زندگی فقیرانه خود که همسان مردمش بود لذت می‌برد. در فرصت‌ها، از ویژگی‌های منحصر به‌فرد استاد مزاری سخن می‌گفت و از دست‌نوشته‌های استاد شهید را که او خود گردآوری کرده بود، بیان می‌کرد. به‌راستی او به استاد شهید، ذوب‌شده بود و عاشق او بود، مشی او در قناعت، شجاعت، دردمندی، تعهد، هدفمندی و ساده‌زیستی ممثل کامل رهبر شهید بود

۲. راوی رنج مردم

او یک انسان هزاره‌ای دردمند بود. کسی که از تبعیض، نابرابری، ستم و استبداد قومی و قبیله‌ای رنج می‌برد، با ابزار قلم روایتگری رنج‌های مردمش را به عهده گرفته بود، لذا رسالت فعالیت‌های فرهنگی را یکی از وظایف مهم و اساسی خود می‌پنداشت. در ملاقات با دانشجویان و دانش‌آموختگان توصیه می‌کرد تا توان دارید و می‌توانید در مورد تاریخ مردم خویش مطالعه و بنویسید، رنج‌ها و محنت‌های آن‌ها را به تصویر بکشید. نگذارید تاریخ مملو مرارت این مردم تکرار شود. او یکی از شیفتگان و رهروان پاک‌باخته استاد شهید عبدالعلی مزاری رحمت‌الله علیه بود.

۳. تواضع علمی

او با تمام سختی‌های زندگی، هرگز حاضر نگردید که دست نیازمندی به‌سوی رهبران سیاسی دراز نکرد. او همچنان صبورانه و با پایداری عمر خویش را سپری کرد. به یاد دارم زمان تدوین پایان‌نامه‌ام که با موضوع «افغانستان بحران‌های داخلی و نقش کشورهای تأثیرگذار»، بود. به مرحوم دولت‌آبادی مراجعه کردم و از ایشان درخواست همکاری کردم استاد دولت‌آبادی با آغوش باز پذیرفت و از انتخاب و طرح این موضوع بسیار خوشحال شد و مرا تشویق کرد که از نگارش آن هراس نداشته باشید و در ضمن چندین منبع مفید معرفی کرد. پس از چند جلسه مشورتی پیشنهاد شد که به‌عنوان استاد مشاور در تدوین پایان‌نامه‌ام به جامعه المصطفی‌العالمیه معرفی شود. اما ایشان با لبخند فرمود: من مدارک تحصیلی ندارم جامعه المصطفی یک مرکز آکادمیک است بدون اسناد تحصیلی نمی‌پذیرد.»، باتوجه به گرفتاری‌ها

او در ایران موفق می‌شود با بسیاری از فرهنگیان و قلم‌به‌دستان مهاجر از نزدیک آشنایی پیدا می‌کند. این امر، موجب انگیزه و پشت‌کار بیشتر می‌شود تا در سال ۱۳۶۲ به‌عنوان مدیرمسئول و سردبیر، ویراستار، صفحه‌آرا مجله وزین «حبل‌الله» - ارگان نشراتی سیدجمال‌الدین حسینی در تهران - از سوی رهبر شهید منصوب می‌گردد و رسماً به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و فرهنگی می‌پردازد، در این هنگام او با توجه درد استخوان سوز محرومیت‌های اجتماعی و مردمان تحت ستم وهم کیشان خود درصدد مطالعه تاریخی استبداد قومی در کشور می‌پردازد، در این راستا تلاش می‌کند تا منابع تاریخی زیادی را در این زمینه با دقت تمام جستجو کرده و به تحقیق و تاریخ‌نگاری بپردازد و آثار علمی فاخری را تولید کند. آثار و تحقیقات ایشان نشان‌دهنده این نکته است که همه همت خویش را به کار گرفته بود تا از طریق زبان قلم، بیان حقایق، علیه بی‌عدالتی، ستم قومی و نابرابری‌های اجتماعی مبارزه کند.

از این‌رو، در تحقیقات او نگاه انتقادی به تاریخ و روایت پدیده‌های تاریخی «ایجاد تردید» در ذهن مخاطبان بوده است. به این معنا که او تلاش می‌کرد تا خوانندگان آثارش راجع به همه‌ای آنچه در تاریخ افغانستان تا به حال خوانده‌اند با تردید نگاه کنند تا نهایتاً به حقیقت برسند. درد و آلام چندین ساله قومش را در پستوهای تاریخ پرفرازونشیب افغانستان دنبال کند، درواقع حقایق عینی تاریخ مظلومیت مردمش، سپهر نوشتار او را شکل می‌دهد. در زمان نگارش و تألیف هدف اصلی او هویت‌یابی و بازشناسی تاریخ انسان‌های فراموش‌شده‌ای است که علی‌رغم حذف فیزیکی، توسط نویسندگان درباری تاریخ و پیشینه تمدنی‌شان مورد انکار واقع‌شده بود. او این مسئله را به محققان، نویسندگان و آیندگان روشن کرد که به گمان او تاریخ و زمان، شیرازه‌ای اصلی هویت مردم را شکل می‌دهد. در این نوشتار به برخی از ویژگی‌های فکری و شخصیتی او پرداخته خواهد شد.

۱. ساده‌زیستی

مرحوم دولت‌آبادی از لحاظ زندگی فردی یک انسان متواضع، شجاع، صبور، قانع، ساده‌زیست بی‌اعتنای به دنیا بود. در اولین برخورد دوستان خود را شیفته خود می‌کرد، او کم‌حرف می‌زد از فرصت‌ها بیشترین استفاده را می‌کرد. از تجملات و زرق‌وبرق دنیا اجتناب می‌ورزید باوجود فقر و نیازمندی که در علم غربت و آوارگی داشت

و مشکلات بیماری و مالی به دنبال همکاری با استاد بودم. از این روی این موضوع را با مسئولین المصطفی مطرح کردم، هرچند به دلیل فقدان مدارک تحصیلی از پذیرش استاد دولت‌آبادی سر باز، ولی با ارائه یکی از آثار علمی ایشان را به‌عنوان استاد تاریخ‌نگار و پژوهشگر حوزه افغانستان پذیرفته شد و در بخش تدوین و نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویان و طلاب به‌عنوان استاد راهنما و مشاور همکاری کند. بنابراین، همکاری‌های فکری و قلمی استاد در جامعه شروع شد در طی چندین سال تا مهاجرت دومش به کشورهای غربی با دانش‌پژوهان و محققان حوزه افغانستان همکاری می‌کرد.

۴. تاریخ نگار هدفمند

ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد داشت که او را از دیگران متمایز می‌ساخت. همچنان که نخبگان یک ویژگی مشترک دارند، و آن این است، حد خود را می‌شناسند، و هدفمند هستند. فرصت یابند و از فرصت‌ها خوب استفاده می‌کنند. در عین محدودیت‌ها و مشکلات را تبدیل به فرصت می‌کند. استاد دولت‌آبادی نیز با آنچه در بالا اشاره شد، علی‌رغم همه دشواری‌ها، و سختی‌های که از آغاز تا فرجام زندگی با آن روبه‌رو بود. او هرگز دست از تلاش‌های علمی بازنداشت در دشوارترین مراحل عمر خویش با جدیت تمام دنبال کارهای تحقیقی خود بود، وقتی به خانه محقر او می‌رفتی طاقچه‌های خانه او مملو از کتاب‌های قدیمی و آثار تاریخی افغانستان و منطقه‌ای جغرافیای آسیای میانه و مرتبط به افغانستان بود، بخصوص کتاب‌های ملا فیض محمد کاتب هزاره، غلام محمد غبار، مجله هفته‌نامه، روزنامه و... درواقع کلکسیون و دایره المعارف از تاریخ معاصر افغانستان بود. اساساً گفتگو با او، امید به آینده و روحیه احیای هویت را در مخاطب زنده می‌کرد. درواقع او یک چریک و سر باز تمام عیار فرهنگی بود، به قول استاد سرور دانش: «بصیر احمد دولت‌آبادی یک سر باز فرهنگی و با تاریخ آرمان‌های سیاسی بود. زنجیر تاریخ ستم و محرومیت، شلاق بی‌رحم تبعیض و فقر، آرمان گمشده عدالت و آزادی، عشق و وفاداری به وطن و مردم، باعث شده بود که او دست به کتابت و قلم و مطالعه ببرد و فریاد رنج و حرمان تاریخی مردم را با قلمش سر دهد».

دولت‌آبادی، با کمترین امکانات مادی، فقط با ایمان، فداکاری و انگیزه قوی، پشتکار شبانه‌روزی و با هدفمندی توانست خالق آثار فاخر

علمی شد که امروزه به‌عنوان بهترین، اصلی‌ترین، معتبرترین منابع مورد توجه محققان، افغانستان-پژوهی قرار بگیرد.

۵. صبوری و شکیبایی

صبر، استقامت و پایداری یکی دیگر از ویژگی‌های مرحوم دولت‌آبادی است. او همان‌طوری که اشاره شد؛ در جامعه‌ای و از میان مردمی برخاسته و رشد کرده بود که سال‌های سال بر آن‌ها ستم و تبعیض روا داشته شده و از حقوق اولیه و طبیعی خود محروم بودند، دولت‌آبادی، یکی از شیوه‌های مبارزاتی خود را در همسویی با مبارزان جبهه عدالت‌خواهی می‌دید و ایستادگی در برابر کسانی که با برتری‌طلبی و زیاده‌خواهی جزء طبیعت و ذات او گردیده بود. حتی در تدوین تاریخ این مردم، نیز دستبرد می‌زدند برای ساختن جامعه‌ای سالم و سر بلند و به‌دور از تبعیض نژادی، مذهبی و سیاسی، صبوری و استقامت و پایداری لازم بود، او در کنار دیگر هم‌فکران خود که در سنگر و مقاومت روبروی سپاه تبعیض‌گرا می‌زمیندند، اقدام به کارهای فرهنگی، ثبت، ضبط و نشر فرهنگی وقایع تاریخی می‌کند، او که خود یکی از جهادگران بود چه در دوران مبارزه و جهاد علیه اشغالگران حضور فیزیکی داشت و چه در دوران مقاومت در برابر زیادی خواهان به‌عنوان گزارش‌نویس و اصحاب رسانه که به تمام وضعیت اشرف کامل داشت و برای تثبیت حقوق مردم و واقعیت‌ها عینی جامعه با صبوری و شکیبایی در برابر حوادث سخت و طوفان‌های شدید و مشکلات طاقت‌فرسا به افشاگری و نشر اخبار و گزارش‌های دست‌اول از صحنه‌های نبرد می‌پرداخت، این کار را برای خود یک وظیفه ملی تکلیف شرعی و اسلامی دانست، زندگی خود را در این راه وقف کرد و تا پایان عمر خویش مبارزه کرد.

همین ویژگی سبب شده بود که از او را به‌عنوان یک محقق، نویسنده دردمند و هدف‌گرا به تبلور آرمان یک ملت بسازد؛ زیرا او با پایداری و حوصله‌مندی بی‌نظیرش رنج‌ها و درد ملیت‌های محروم و زجرکشیده افغانستان، به‌ویژه شیعیان را به تصویر می‌کشید و برای آنان از محرومیت‌ها، رنج‌ها و دردهای تاریخی و مشکلات موجودشان، می‌نوشت و آنان را به زجرهای تاریخی آشنا می‌ساخت و انرژی عظیم نهفته در درون توده مردم را، جهت رفع تبعیض‌های ناروا و مناسبات ناعادلانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اداری و فرهنگی بیداری می‌داد و در راستای تحقق خواسته‌های مشروع و به‌حق



بعد از رحلت مرحوم دولت‌آبادی موج از غم و اندوه در چهره‌های هواداران و مردم آزادی‌خواه ایجاد شدند و بساط عزا برپا کردند. یاد و خاطره او را مثل رهبر و مرادش استاد شهید گرامی داشتند.

جمع‌بندی

مرحوم بصیراحمد دولت‌آبادی، یک نویسنده‌ای آرمان‌گرا و ژرف‌نگر بود، آثار و دست‌نوشته‌های او مشحون از درد و رنج از ستم ملی و ظلم‌های که بی‌رحمانه به ملت‌های ستم روا داشته شده است را به نمایش گذاشته است، او از نظر ویژگی‌های رفتاری انسان متواضع، دارای سجایای اخلاقی و خصلت‌های برجسته یک انسان نمونه و در مشی زندگی یک فرد قناعت‌پیشه، صبور و با مناعت طبع بود. با اینکه او دارای تحصیلات عالی، آکادمیک و دانشگاهی نبود اما با تلاش، پشت‌کار و مطالعات دوام‌دار توانست در حیات پر بار خویش به‌عنوان یک روزنامه‌نگار و نویسنده موفق بود که صدها مقاله را در مجلات، هفته‌نامه، گاه‌نامه‌ها به نشر بسپارد، او آثار فاخر و گران‌سنگ تاریخی را از خود به یادگار گذاشته است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

ملیت‌های محروم و ستمدیده، آگاهی می‌بخشید. بدون تردید به همان میزان که استاد شهید ویاران او در شکل‌گیری وحدت و یکپارچگی مردم هزاره نقش بازی نمودند اصحاب قلم، بخش‌ها و نهادهای فرهنگی برای رسیدن به این آرمان مردم تحت ستم تأثیرگذار بودند از آن جمله مرحوم دولت‌آبادی با تلاش‌های شبانه‌روزی و ترویج فواید و آثار مثبت وحدت اجتماعی نقش بی‌بدیل را ایفا نمود زیرا همه در یک سنگر بودند می‌دانست، تحقق خواسته‌های مشروع و به‌حق ملیت‌های محروم و ستمدیده، بدون انسجام و یکپارچگی ممکن نخواهد بود. بنابراین، آن‌ها را بسیج و به بهترین وجه ممکن سازمان‌دهی و متشکل ساخت. بدین‌سان بود که مجموعه تیم عدالت‌خواهی به رهبری خردمندان آن پیر پشمینه‌پوش پروسه‌ی وحدت‌توده‌های زجرکشیده و عدالت‌خواه افغانستان را به زیباترین شکل ممکن، طراحی و ساختمان آن را معماری نمود و چون همه از خودگذشته و در مردم و منافع و خواسته‌های آنان ذوب‌شده بودند، امروزه مزاری، دولت‌آبادی و صدها سردار جبهه عدالت‌خواهی به‌عنوان نمادهای پایداری، صبر و استقامت در میان مردم مطرح و همه عدالت‌خواهان و انسان‌های آزاده به آن‌ها عشق می‌ورزند و آن‌ها را تجسم عینی صبر، استقامت و پایداری می‌دانند. چنان بود که